

تقدیر و تشکر

بر خود فرض می‌دانم از دکتر احمد احمدی، متفکر و فیلسوف دیرآشنا و ناظر محترم طرح، و همچنین مهندس سیفیان، ناظر هنری طرح، تشکر نمایم که نهایت راهنمایی خود را مبذول داشته‌اند و نیز از معاونان اجرایی و پژوهشی سازمان (سمت) دکتر سیدطه مرقاتی و دکتر محمدرضا سعیدی سپاس خود را اعلام می‌نمایم.

از خانمها شریعت‌پناهی، زیبا کاظمی، مریم مرادی و آقای هیرمند حساس صدیقی که در روند تحقیق و پژوهش یاری بی‌بدیلی را مبذول داشتند و از خانم عادلہ مشایخی، ویراستار محترم، که نهایت دقت خود را در تنقیح متن به کار بردند تشکر می‌نمایم.

از رؤسای کتابخانه‌های سازمان «سمت»، دانشگاه تهران، دانشگاه الزهرا و ریاست محترم کتابخانه فرهنگستان هنر دکتر وحدتی دانشمند و نیز از ریاست محترم کتابخانه حوزه هنری و همکارانشان تشکر خاضعانه خود را اعلام می‌دارم. به خود فرض می‌دانم از آقای محمود جوان مدیر محترم تدوین، خانمها میچکا کتاب‌الله‌زاده مسئول واحد کنترل فنی و افسانه‌علیزاده به خاطر اصلاح و صفحه‌آرایی کتاب و همچنین از آقای امیر دمیرچی برای اصلاح تصاویر تشکر نمایم.

پیشگفتار

تاکنون مباحث نظری متعددی در زمینه‌های تاریخ هنر نگارگری مطرح شده است، اما علی‌رغم تلاشهایی که متفکران جهان اسلام و شرق‌شناسان انجام داده‌اند در مجامع آکادمیک مباحث نگارگری در دنیای سرشار از ابهامات و سؤالات متعدد غوطه‌ور است. می‌توان فهرستی از این ابهامات را به صورت ذیل ارائه کرد:

- اصول و مبانی نظری نگارگری،
 - اصول و مبانی بصری نگارگری،
 - اصول و مبانی زیباشناسی نگارگری و فلسفه هنر نگارگری،
 - مبانی دوره‌بندی تاریخ هنر نگارگری،
 - مبانی تعریف و تقسیم مکتبهای نگارگری،
 - نگارگران بزرگ به تفکیک مکتب، آثار، دوره تاریخی و نظایر آن.
- ابهامات فوق را می‌توان از طریق سه راه‌یافت ذیل طبقه‌بندی و مطالعه کرد:
1. مطالعات باطنی و درون‌گرایانه نگارگری (esoteric survey on miniatur)،
 2. بررسی شکل‌گرایانه نگارگری (formalist survey on miniatur)،
 3. بررسی تاریخی نگارگری یا تاریخ هنر نگارگری (miniatur historic survey on).
- شيوه کتاب حاضر بر روش سوم یعنی بررسی نگارگری بر اساس تاریخ و مکاتب نگارگری متکی است که عمدتاً جنبه‌های زیباشناختی را در روند تاریخ با نگاهی برون‌گرایانه وجهه نظر خود قرار می‌دهد. اما عشق، نگین

نگارگری ایرانی (میناتور) یا به معنای کاربردی‌تر، عشق، قلب نگارگری ایرانی است. تمثیل نگین جنبه زیباشناختی و تمثیل قلب جنبه کاربردی عشق را نشان می‌دهد. این قلب حساس با تپشهای بی‌انتهای خود شور و وجد، شادابی، رمز و راز، زیبایی و معانی بلند و متعالی به مضامین و تصاویر می‌بخشد. رنگ و خط، سطح و ترکیب‌بندی، زمین و آسمان، انسان و فرشته، دیو و پری، و طبیعت و دشت و دمن میناتور و حتی متافیزیک نگارگری ایران را سیلانی بی‌امان و صعودی انتھاناپذیر می‌بخشد تا همیشه و تا ابدیت این هنر را در طراوتی پایان‌ناپذیر و وجد و شادابی غوطه‌ور کند. شایان ذکر است که هنر اسلامی ایرانی در قلمرو بصری با سه بیان در عرصه فرهنگ و تاریخ هنر ظاهر شده است:

1. تجرید و آبستره که در اسلیمیها، خطاییها، بته سرکجهها، ترنجهها، لچکها و گرھها و انواع خطاطیها ظهور می‌یابد.

2. فیگوراتیو که در نگارگری ایرانی در گل و مرغ و نقاشی قهوه‌خانه‌ای و قاجار نمایان می‌شود.

3. کاربردی با ترکیبی از دو عنصر بالا که در صنایع دستی جلوه‌گر می‌شود.

اما نگارگری ایرانی، زیبایی جهانگیر و جانگشاست که با زیبایی شکلی و مضامین متعالی خود مشحون از رازهایی است که کشف آنها دغدغه هر محقق و هنرمندی است که در ورای ظاهر در جستجوی دنیاهای سیال و متصاعدی است. هنرمندانی که حاضرند کوهستانهای صعب‌اندیشه و راههای پر پیچ و خم خیال را درنوردند و تاریکیها و روشناییها را پشت سر نهند تا اکسیر جاودانگی این هنر را بیابند.

صعب بودن دستیابی به مضامین باطنی، بدان جهت است که جاذبه و زیبایی شکلی این نگاره‌ها آن قدر والا و شگفت‌انگیز و مضامین‌اش آن چنان شیرین و پرهیجان است که بیننده را غرق در اصول و مبانی شکلی می‌کند تا آن حد که به صورت اجتناب‌ناپذیری فرصت تعمق در مفاهیم درون‌بودی و باطنی را از او سلب کرده و غرق در جلوه‌های رنگ، شکل، تزئین، خط، بافت و ترکیب‌بندی می‌شود. از سوی دیگر بلندی مفاهیم به شدت مرموز و پیچیده است، چرا که تصویر، جلوه فرود آمدن و نزول مفاهیم بلند و سپس ارتقای آن به صورت تصویر است و یافتن ارتباط مفاهیم با تصاویر خود، کاری است پیچیده و فنی که دست‌کم شناخت سه ساحت را می‌طلبد: (1) شکل، (2) محتوا و (3) شهود و رمز و عرفان.

نگاهی به تاریخ هنر نگارگری در ایران و مکاتب عمده سلجوقی، ایلخانی، تیموری و صفوی در اصفهان، شیراز، تبریز، بخارا و قزوین گویای ارتباط تنگاتنگ بین تحولات باطنی در اندیشه اسلامی و نگارگری ایرانی اسلامی است که موجب سیر صعودی تعمیق زیباشناختی در روندی تاریخی در این زمینه هنری شده است، تا به آن حد که مضامین به تدریج از سطح به عمق ارتقا یافته و از ساحت طبیعت به فوق طبیعت معنا می‌یابند. اما چرا؟
طبیعی‌ترین سؤال این است که چرا چنین اتفاقی می‌افتد؟ در پاسخ باید گفت به دلیل قدم گذاشتن عرفان و عشق به عرصه نگارگری.

در خاتمه باید یادآور شوم که اگر به سبب نگارش این کتاب توانسته‌ام در ابتدا به‌عنوان طرح ملی موفق به کسب جایزه بین‌المللی خوارزمی شوم بیش از هر چیز مدیون «سمت» هستم که این فرصت بی‌بدیل را برای اینجانب فراهم نمود و امیدوارم توانسته باشم در راه توسعه دانش هنری قدمی هر چند کوچک بردارم.

دکتر زهرا رهنورد

مقدمه

نسخ خطی ایران، همواره مجموعه‌ای از زیباترین نمونه‌های هنر خوشنویسی و نگارگری را به نمایش می‌گذارد. در واقع، در صنعت کتاب‌آرایی، دو هنر نقاشی و خوشنویسی در کنار هم قرار می‌گیرد. البته در بهترین نمونه‌های نگارگری، نظیر مکتب هرات دوره تیموری و تبریز صفوی، هنر نقاشی بر خطاطی پیشی می‌گیرد. به طور کلی، هنر نگارگری ایران با تصویرسازی نسخ خطی پیوند ناگسستنی دارد، بنابراین نگاره‌ها همواره در اندازه‌های کوچک صفحات نسخ خطی قرار می‌گیرد.

در این تحقیق، هنر نگارگری ایران در یک روند تاریخی از دوره سلجوقی تا پایان دوره قاجار بررسی می‌شود. معمولاً طبقه‌بندی مکاتب نگارگری ایران بر اساس شهرها، نگارگران یا دوره‌های پادشاهی صورت می‌گیرد که در این کتاب طبقه‌بندی بر اساس دوره‌های پادشاهی است و در هر دوره، مکاتب شهرهای مختلف نظیر شیراز، هرات، مشهد و اصفهان بررسی می‌شود. برای مثال، هنر نگارگری در دوران تیموری و تحت سلطه حاکمان سلسله تیموری نظیر تیمور، شاهرخ و اسکندر سلطان در شهرهای مختلفی مانند سمرقند، هرات و شیراز - که تحت حاکمیت آنان قرار داشتند - با معرفی بزرگ‌ترین نسخ خطی و نگارگران مربوط به هر مکتب شرح داده می‌شود. به عبارت دیگر، در مطالعه نگارگری هر دوره ویژگی کلی دوره، ویژگی‌های زیباشناختی، نگارگران و نسخه‌های مصور مکتب و احیاناً عناصر تأثیرگذار بر آن بیان می‌گردد. این مطالعه با تحقیق در منابع فارسی و همچنین ترجمه کامل‌ترین منابع انگلیسی در زمینه هنر و نقاشی ایرانی انجام گرفته و برای دسترسی به منابع تصویری از اینترنت نیز استفاده شده است.